

Structural obstacles to human development in Kurdistan province

Extended Abstract

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

1. Mamand Ghaderi

2., Masoud Ghaffari. Ph.D. *

1. PhD Student in Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2. Associated Professor of Political science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Correspondence:*

Address: Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Email: Ghaffari@modares.ac.ir

Article History:

Received: 01.07.2022

Accepted: 20.11.2023

Introduction

In the current research, the political dimension of the existing state of underdevelopment and how it is tied to the economy and also its consequences in Kurdistan province have been investigated. Undoubtedly, examining how it works and analyzing all aspects of Iran's political economy requires extensive research, and sometimes due to the lack of data, it is not possible to get an accurate picture of the ruling monopolies. The arrival of hydrocarbon resources has also added to the complexities of this structure, in such a way that many consider the abundance of resources and the emergence of the rentier state as the main cause of the current situation, unaware that the flawed structure of Iran's political economy without oil revenues would not be capable of providing a minimum welfare level and establishing current limited infrastructure. In this research, we will look for an answer to this question, whether there is a significant difference in the development levels of Kurdistan province and the country as a whole or not? By comparing the indicators of human development in the years 1977 and 2018, we will try to answer it.

Methodology

The method used in this research is secondary and comparative quantitative data analysis, and we aim to describe the various aspects of the current situation and find its causes. In order to measure the levels of human development in different provinces of the country, the secondary data analysis method has been used, and as a means to checking different periods of time and provinces, the comparative method has been used.

Result and discussion

In 1976, only in terms of per capita income, Kurdistan's situation was slightly better than the national average, and the province's indicators for education and health were lower than this average. Finally, Kurdistan province is ranked 18th among the twenty-three provinces of the country in terms of human development index. In the post-revolution period, the conditions of Kurdistan, along with other regions of Iran, have improved. In the field of human development index in 2018, the score of Kurdistan was 0.732, which compared to 0.214 in 1976, it experienced a growth of 0.518. In the same period of time, the national average has also reached from 0.247 to 0.783, which indicates a growth of 0.536. Part of this can be considered related to global progress and improvement of conditions in most parts of the world, and part of this can be related to the distributional nature of the revolution and a response to the demands of the social downtrodden. Nevertheless, we see the continuation of the developmental gap between Kurdistan province and the average of the country, which shows a structural dysfunction.

Conclusion

In this article, an attempt has been made to compare the statistics related to the human development index in 2018 and its reconstruction in 1976, to show that Kurdistan province is historically more backward than a significant percentage of other provinces in terms of income, education and health variables. Therefore, it seems that in addition to social engineering to create restrictions for Kurdistan, the root of this backwardness should be found in the historical structures of the center's relationship with Kurdistan and its deepening throughout history. Therefore, although the relative underdevelopment of this part of Iran can be attributed to some policies of the government of the Islamic Republic of Iran, this is fundamentally and historically rooted in other structural variables, some of the most important of which are:

- The political economy of monopolies in the history of Iran.
- Core-periphery relationship and unequal economic exchange.
- The nationalism project centered on Persianness during the Pahlavi era and its subsequent stabilization.
- Identity-based development and, as a result, uneven distribution of resources.
- The narrative of the Islamic Republic of the element of religion and the superior-subordinate relationship arising from it.

The nation-building project based on non-developmental policies and the political economy of identity-based monopolies has not only not turned Iran into a developed country, but has created adverse consequences for the country in general and Kurdistan in particular. This has caused a wide backwardness in the development levels of the country, and as a result, many shortcomings are observed in various aspects of the country's macroeconomics. Also, the ruling formation of Iran's political economy, which operates in an identity-oriented manner, and the cultural engineering policy that justifies it, has led to a huge waste of resources and the inability to achieve development.

Keywords: Development, Structural Obstacles, Kurdistan, Monopolies, Backwardnes

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

نویسنده مسئول: Ghaffari@modares.ac.ir

بررسی موانع ساختاری توسعه در استان کردستان با تاکید بر شاخص توسعه انسانی

مامند قادری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مسعود غفاری*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

در پژوهش حاضر بعد سیاسی وضعیت توسعه نیافتگی موجود و چگونگی گره خوردن آن با اقتصاد و همچنین پیامد آن در استان کردستان مورد کند و کاو قرار گرفته است. بدون شک بررسی چگونگی کارکرد و واکاوی تمامی ابعاد اقتصاد سیاسی ایران مستلزم پژوهشی وسیع بوده و بعضا به دلیل کمبود داده نمی‌توان تصویری دقیق از انحصارات حاکم بر آن را به دست آورد. ورود منابع هیدروکربنی نیز بر پیچیدگی‌های این ساختار افزوده است، به گونه‌ای که بسیاری وفور منابع و ظهور دولت رانتیر را عامل اصلی شرایط موجود می‌دانند، غافل از اینکه ساختار معیوب اقتصاد سیاسی ایران بدون درآمدهای نفتی توانایی تامین سطح رفاهی حداقلی و برپا داشتن زیرساخت‌های محدود کنونی را نیز دارا نمی‌بود. در پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که آیا تفاوتی معنی دار در سطوح توسعه‌ای استان کردستان و کلیت کشور مشاهده می‌شود و یا خیر؟ با مقایسه شاخص‌های توسعه انسانی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۹۸ این نتیجه حاصل شد که به طور کلی استان کردستان به لحاظ توسعه انسانی از میانگین کشوری دارای رتبه‌ای پایین‌تر بوده است که علت اصلی آن را می‌توان در قالب اقتصاد سیاسی انحصارات معرفی نمود که ریشه‌های آن به دوران پیش از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بازمی‌گردد.

کلمات کلیدی: توسعه، موانع ساختاری، کردستان، انحصارات، عقب‌ماندگی

مقدمه

استان کردستان با مرکزیت شهر سنندج با ۲۹۱۳۷ کیلومتر مربع که معادل با ۱.۸٪ مساحت ایران بوده و ۱۶۰۳۰۱۱ نفر جمعیت که بیش از ۲٪ جمعیت کشور می‌باشد در غرب ایران و هم مرز با کشور عراق است [۱۳]. این منطقه به صورت تاریخی، همواره با مشکلات و مسائل خاصی دست به گریبان بوده است و به دلیل درون مایه‌های قومیتی و مذهبی که آن را در جایگاه اقلیت قرار داده است، شکلی از بحران را در رابطه با دولت‌های مرکزی تجربه کرده است. وضعیت نامساعد شاخص‌های اقتصادی، مهاجرت گسترده نخبگان و حتی عامه مردم، ناآرامی‌های اجتماعی گسترده، وابستگی به درآمدهای هیدروکربنی، اضافه برداشت از رانت زمین و از بین بردن تعادل اکولوژیک تنها وجوهی از وضعیت نامطلوب توسعه‌ای در این استان می‌باشد.

با وجود ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشکلات کردستان، آن چه که از منظر پژوهش حاضر دارای اهمیت است، شاخص توسعه‌ی انسانی نامطلوب این استان نسبت به میانگین کشوری است که ابعاد سیاسی و امنیتی خاصی را به وجود آورده است. به طور مشخص براساس آمارهای رسمی جمهوری اسلامی ایران، سطح درآمدی، تحصیلات و بهداشت مردم کردستان به‌عنوان سه عامل تشکیل‌دهنده توسعه انسانی همواره از میانگین کشوری پایین‌تر بوده و در انتهای جدول استان‌های کشور قرار گرفته است. این مسئله در ارتباط با ویژگی‌های قومی و مذهبی پیش گفته، این ایده را گسترش داده است که عقب‌ماندگی این منطقه طی فرایند مهندسی اجتماعی و عامدانه رخ داده است تا با ایجاد محدودیت‌های اجتماعی، به زعم خود از بحران - های سیاسی بعدی برای دولت مرکزی ممانعت به عمل آید و مختص دوره پس از انقلاب می‌باشد، اما در مقابل

توجه قرار گرفته‌اند که شامل طول عمر، دانش و داشتن زندگی شایسته و مناسب می‌باشد. به منظور سنجش طول عمر افراد از شاخص امید به زندگی در بدو تولد استفاده می‌شود. در شرایطی که دسترسی به اطلاعات مربوط به سلامت و تغذیه افراد دشوار می‌باشد، این شاخص می‌تواند کمک بزرگی به اندازه‌گیری سطح توسعه انسانی و وضعیت سلامت مردم نماید. دومین بخش توسعه انسانی که دسترسی به دانش می‌باشد، توسط متوسط سال‌های تحصیل برای افراد بالای بیست و پنج سال و سال‌های مورد انتظار تحصیلی برای اشخاص کمتر از این سن با وزنی یکسان سنجیده می‌شود. در واقع دسترسی به آموزش با کیفیت نقش به‌سزایی در داشتن یک زندگی مولد در جامعه مدرن ایفا می‌نماید. سومین قسمت شاخص توسعه انسانی نیز که دسترسی به منابع لازم جهت داشت زندگی با شرایط استاندارد شایسته می‌باشد به وسیله لگاریتم مقدار سرانه درآمد ناخالص ملی (GNI) یکسان سازی شده بر مبنای قدرت خرید دلار آمریکا در سال ۲۰۱۱ اندازه‌گیری می‌شود.

به منظور ترکیب سه شاخص پایه آموزش، بهداشت و درآمد نیز از میانگین هندسی آنها استفاده شده و شاخص توسعه انسانی طبق فرمول زیر به دست می‌آید:

$$\text{درآمد سرانه} \times \text{شاخص آموزش} \times \text{شاخص بهداشت} = \sqrt[3]{\text{شاخص توسعه انسانی}}$$

شاخص‌های اقتصادی» به این نتیجه دست یافته‌اند که استان کردستان از نظر بهره‌مندی از ابعاد و شاخص‌های گوناگون توسعه اقتصادی جز استان‌هایی با میزان توسعه اندک در کشور محسوب می‌گردد و براساس نتایج این پژوهش می‌توان با تاکید بر این امر که محوریت توسعه مشارکت در تمام جوانب است مقدمات توسعه استان کردستان فراهم می‌گردد.

رحمت‌اله بهرامی [۴] در مقاله «چالش‌های عمده توسعه روستایی (مطالعه موردی استان کردستان)» نتیجه گرفته است استان کردستان یکی از استان‌های توسعه نیافته کشور است و به نظر می‌رسد که توسعه روستایی در این استان با چالش‌هایی جدی روبه‌رو است. این مقاله

فرضیه اصلی مقاله‌ی حاضر بر این ایده بنا شده است که عقب‌ماندگی توسعه‌ای استان کردستان دارای ریشه‌های تاریخی پیش از انقلاب در سال ۱۳۵۷ بوده و شکلی ساختاری یافته است. برای نیل به این مقصود، محقق با بازسازی شاخص‌های توسعه انسانی در سال ۱۳۵۵ و مقایسه آن با آخرین آمارهای رسمی، تلاش کرده است تا پیوستگی عقب‌ماندگی ساختاری را نشان دهد.

جهت کمی کردن این مفهوم از شاخص توسعه انسانی استفاده می‌شود که ترکیبی است از اندازه‌گیری درآمد، تحصیل و سلامت یک جامعه. این شاخص در سال ۱۹۹۰ به‌عنوان جایگزینی برای GDP جهت سنجش سطح توسعه یافتگی منطقه مورد نظر ارائه شده است. پیش از معرفی این شاخص فرض بر این بود که با افزایش درآمد سرانه وضعیت انسان‌ها در تمامی ابعاد زندگی بهتر خواهد شد ولی عدم توجه به مفهوم عدالت که در داشتن فرصت‌های واقعی فردی نمایان می‌شود، منتج به معرفی شاخص توسعه انسانی به‌عنوان جایگزینی جهت بررسی وضعیت توسعه‌ای جوامع شد [۸]. توسعه انسانی افراد را به‌عنوان انسان در مرکزیت توسعه قرار داده و در پی گسترش حیطه انتخاب افراد و بهبود شرایط زندگی ایشان است. شاخص توسعه انسانی نیز وسیله‌ای استاندارد جهت سنجش توسعه انسانی است [۱۰]. برای اندازه‌گیری سطح توسعه انسانی سه مقوله اساسی مورد

این فرمول به محقق اجازه خواهد داد تا با بازسازی شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۵۵ ضمن ارائه‌ی چشم‌اندازی از توسعه انسانی استان کردستان در پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، پیوستگی ساختاری و امتداد عقب‌ماندگی این منطقه را در سال‌های بعدی به خوبی نشان دهد.

پیشینه تحقیق

چنور دیداری و دیگران [۶] در مقاله «بررسی عوامل موثر بر توسعه نامتوازن در استان کردستان با تاکید بر

اقتصادی و نیز چالش‌های امنیتی متبادر از عقب‌ماندگی این استان قرار داده‌اند و چندان به دنبال ریشه‌های این عقب‌ماندگی در سیر تاریخی آن نبوده‌اند. حال آن‌که مقاله حاضر از دو جنبه دارای نوآوری می‌باشد:

- ۱- تمرکز بر مفهوم توسعه انسانی.
- ۲- نشان دادن نوعی استمرار در عقب‌ماندگی شاخص‌های توسعه انسانی استان کردستان از منظری تاریخی و ساختاری.

چارچوب نظری

هرچند که محرومیت افراد رابطه نزدیکی با سطح درآمد دارد، به گونه‌ای که بی‌سواد، بیماری و گرسنگی برآمده از فقر است، ولی باید توجه داشت که دست‌یابی به شرایط مالی بهتر به گونه‌ای خودکار توانمندی را حاصل نمی‌نماید. در واقع نقش ثروت باید در تصویری فراگیرتر از موفقیت و محرومیت بررسی شود [۷]. در آغاز دهه ششم از قرن بیستم انتقادهای نسبت به استفاده از شاخص GDP (تولید ناخالص ملی) رو به افزایش نهادند و در دو دهه بعدی مباحث توسعه‌ای در پی یافتن بدیلی برای GDP جهت اندازه‌گیری میزان توسعه یافتگی جوامع بودند که تأکیدی بیشتر بر بیکاری، توزیع ثروت و دسترسی به نیازهای اساسی توسط مردم داشته باشد. این ایده‌ها راه را برای رویکرد توسعه انسانی هموار نموده و ارائه اولین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ میلادی، رویکرد جدیدی را در زمینه سعادت بشری معرفی نمود. در واقع توسعه انسانی به جای تمرکز بر غنای اقتصادی جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، بر غنای زندگی افراد تأکید نموده است.

رویکرد توسعه انسانی توسط اقتصاددانی به نام محبوب الحق و بر مبنای نظریات آمارتیا سن در مورد قابلیت‌های انسانی شکل گرفته است. در این چارچوب توانایی مردم برای بودن به گونه‌ای که مطلوب ایشان باشد و یا انجام دادن امور مورد علاقه خویش در زندگی و آزادی انتخاب، در مرکزیت رویکرد توسعه انسانی قرار دارد. آزادی جهت انتخاب‌گری در بین گزینه‌های مختلف تابعی از افزایش قابلیت‌های انسان‌ها بوده و

برای شناخت بهتر از وضعیت موجود دیدگاه‌های کارشناسی ۴۱ نفر از صاحب‌نظران توسعه در استان، دیدگاه‌های آنها را در پنج بخش اقتصادی، مدیریتی و برنامه‌ریزی، اجتماعی، اکولوژیک، فیزیکی و کالبدی و براساس آنالیز عاملی مورد سنجش قرار داده و بر همین اساس نتایج عمده چالش توسعه استان در دو بعد طبیعی و انسانی به ترتیب اولویت عبارتند از: اقتصادی ۰.۸۰ درصد، کالبدی- فیزیکی ۰.۸۰ درصد، محیطی و اکولوژیک ۰.۷۴ درصد، مدیریت برنامه‌ریزی ۰.۷۰ درصد، اجتماعی ۰.۶۹ درصد.

سید مصطفی هاشمی و دیگران [۱۴] در مقاله «همبستگی تهدیدهای امنیتی دفاعی با سطوح توسعه در استان کردستان با رویکرد آمایش سرزمین» نشان داده‌اند که بین شاخص‌های امنیتی- دفاعی و شاخص‌های بهداشتی درمانی و اقتصادی ارتباط معنادار وجود دارد. اما بین تهدیدها و شاخص‌های فرهنگی، حمل و نقل، زیربنایی و مجموع کلیه شاخص‌ها ارتباط معناداری مشاهده نشد.

سوما مردوخی و ایرج ساعی ارسی [۱۱] در مقاله «تبیین علل توسعه نیافتگی استان کردستان (با کاربست روش کیفی)» به این نتیجه دست یافته‌اند که مردم کردستان علل توسعه نیافتگی را به مثابه توسعه‌ای ناموزون و ناهماهنگ تفسیر می‌کنند که این عناصر ناموزون در ترکیب خود زمینه پدید آمدن روابط اجتماعی ناعادلانه و آسیب‌های فراوان اجتماعی را فراهم آورده است.

علی اکبر جعفری و امید عزیزیان [۵] در مقاله «تأثیر سرمایه اجتماعی بر روند توسعه سیاسی (مطالعه موردی استان کردستان پس از انقلاب اسلامی)» به این نتیجه دست یافته‌اند که در هر مقطع در استان کردستان، نهادهای مدنی تقویت شده‌اند، میزان اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی افزایش پیدا کرده است، رغبت مردم به حضور و فعالیت در نهادهای مدنی بیشتر شده است و پاره‌ای از شاخصه‌های توسعه‌ی سیاسی نیز بهبود یافته‌اند.

به طور کلی مقالات و آثار پژوهشی پیرامون توسعه استان کردستان بیشتر تمرکز خود را بر روی توسعه

یافته‌ها

در سال ۲۰۱۹، کشور ایران با نمره ۰.۷۸۳ و قرارگیری در جایگاه ۷۰ در میان ۱۸۹ کشور مورد بررسی جایگاه متوسطی را اشغال کرده است [۲۰]. البته با مقایسه ایران و دیگر کشورهای نفت خیز منطقه این جایگاه با توجه به منابع عظیم هیدروکربنی کشور چندان مناسب به نظر نمی‌رسد ولی نشان از تلاش حاکمیت جهت بهبود شرایط زندگی شهروندان دارد. اگر این شاخص را جهت مقایسه استان‌های کشور و بررسی برآیند نقش دولت در آنها مورد مقایسه قرار دهیم، تفاوتی بزرگ در میان استان‌ها مشاهده می‌شود.

طبیعتاً انسان‌هایی سالم‌تر، با سطح آموزش و تحصیلات بهتر و درآمد بالاتر گزینه‌های بیشتری را در پیش روی خود دیده و احتمال زندگی کردن به گونه‌ای که برای ایشان ارزشمند می‌باشد، بیشتر خواهد بود. در چارچوب این رویکرد می‌توان توسعه را به مثابه گسترش قابلیت‌های مردم دانست [۱۸]. در واقع اصطلاح توسعه انسانی به پروسه افزایش دامنه انتخاب‌های مردم و بهبود سطح خوشبختی ایشان اشاره دارد.

جدول ۱: شاخص توسعه انسانی سال ۱۳۹۸

استان	بهداشت	آموزش	رفاه	HDI
البرز	۰/۸۷۷	۰/۸۶۲	۰/۷۲۶	۰/۸۱۸
تهران	۰/۸۷۷	۰/۸۶۲	۰/۷۲۶	۰/۸۱۸
اصفهان	۰/۸۷۸	۰/۸۰۳	۰/۷۶۷	۰/۸۱۵
یزد	۰/۸۹۱	۰/۷۸۶	۰/۷۵۱	۰/۸۰۸
سمنان	۰/۸۷۵	۰/۸۱۸	۰/۷۳۴	۰/۸۰۷
مازندران	۰/۸۹۳	۰/۸۰۷	۰/۷۳۰	۰/۸۰۷
ایلام	۰/۸۹۲	۰/۷۸۳	۰/۷۳۱	۰/۷۹۹
قم	۰/۸۸۷	۰/۷۸۰	۰/۷۳۸	۰/۷۹۹
بوشهر	۰/۸۷۱	۰/۷۷۴	۰/۷۴۸	۰/۷۹۶
فارس	۰/۸۷۱	۰/۷۷۵	۰/۷۳۶	۰/۷۹۲
گیلان	۰/۸۹۱	۰/۷۷۲	۰/۷۰۹	۰/۷۸۸
خوزستان	۰/۸۷۷	۰/۷۳۱	۰/۷۵۹	۰/۷۸۶
کرمانشاه	۰/۸۸۱	۰/۷۲۳	۰/۷۴۷	۰/۷۸۱
چهارمحال و بختیاری	۰/۸۸۶	۰/۷۳۰	۰/۷۳۳	۰/۷۸۰
قزوین	۰/۸۷۷	۰/۷۳۴	۰/۷۳۶	۰/۷۸۰
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۸۶۷	۰/۷۵۸	۰/۷۱۲	۰/۷۷۶
مرکزی	۰/۸۷۰	۰/۷۴۱	۰/۷۲۶	۰/۷۷۶
آذربایجان شرقی	۰/۸۷۰	۰/۷۱۹	۰/۷۳۰	۰/۷۷۰
لرستان	۰/۸۸۷۰	۰/۷۱۵	۰/۷۲۲	۰/۷۶۶
خراسان رضوی	۰/۸۶۴	۰/۷۰۷	۰/۷۲۸	۰/۷۶۵
کرمان	۰/۸۷۴	۰/۷۲۵	۰/۷۰۱	۰/۷۶۳
گلستان	۰/۸۸۵	۰/۷۰۰	۰/۷۱۱	۰/۷۶۱
همدان	۰/۸۷۳	۰/۶۸۶	۰/۷۲۹	۰/۷۵۹
زنجان	۰/۸۶۹	۰/۷۰۹	۰/۷۰۲	۰/۷۵۶
هرمزگان	۰/۸۷۴	۰/۶۹۵	۰/۷۰۴	۰/۷۵۳
اردبیل	۰/۸۲۰	۰/۷۱۲	۰/۷۱۲	۰/۷۴۶

۰/۷۴۵	۰/۷۳۰	۰/۶۵۹	۰/۸۵۹	آغری
۰/۷۴۲	۰/۶۹۹	۰/۶۸۴	۰/۸۵۴	خراسان جنوبی
۰/۷۳۲	۰/۷۴۲	۰/۶۳۸	۰/۸۲۶	کردستان
۰/۷۳۱	۰/۶۹۲	۰/۶۵۹	۰/۸۵۸	خراسان شمالی
۰/۶۷۳	۰/۶۵۳	۰/۵۴۲	۰/۸۶۳	سیستان و بلوچستان
۰/۷۸۳	۰/۷۲۹	۰/۷۵۴	۰/۸۷۲	میانگین کشوری

شاخص های اقتصادی، اجتماعی و ... نیز موید این امر می باشند [۳].

همانگونه که پیشتر اشاره شد، شاخص توسعه انسانی از سه بخش تشکیل شده و چگونگی محاسبه این زیر شاخص ها نیز در ادامه توضیح داده خواهد شد. جهت تبدیل شاخص های جزئی به یک شاخص واحد هر یک از مقادیر دو مولفه امید به زندگی و دو جز آموزش را با استفاده از فرمول زیر به شاخص پایه تبدیل می نماییم:

$$\text{شاخص پایه} = \frac{\text{کمترین مقدار شاخص} - \text{مقدار شاخص در منطقه مورد نظر}}{\text{کمترین مقدار شاخص} - \text{بیشترین مقدار شاخص}}$$

در مورد بخش درآمد نیز فرمول زیر مورد استفاده قرار می گیرد:

$$\text{شاخص درآمد} = \frac{\ln(\text{مقدار شاخص در منطقه مورد نظر}) - \ln(\text{کمترین مقدار شاخص})}{\ln(\text{بیشترین مقدار شاخص}) - \ln(\text{کمترین مقدار شاخص})}$$

شاخص توسعه انسانی محاسبه خواهد شد. لازم به ذکر است که دلیل استفاده از داده هزینه ای سال ۱۳۵۶، نبود این اطلاعات در مورد سال ۱۳۵۵ می باشد. نرخ برابری دلار آمریکا به ریال نیز معادل ۷۰/۴۲ ریال به ازای هر دلار می باشد [۱۹]. همچنین جهت تبدیل قدرت خرید دلار سال ۱۹۷۸ به ۲۰۱۱ که سال مبنا می باشد آن را در عدد ۳/۴۵ ضرب می نماییم [۱۶].

همانگونه که در جدول فوق مشخص است [۱۷] تفاوتی گسترده در زمینه سطح توسعه انسانی در میان استان های مختلف قابل مشاهده بوده و این حد از تفاوت نشان دهنده کژ کارکردی و حاکمیت بد حکومت در سطح منطقه ای است. طبق داده های جدول، استان کردستان جزو سه استان انتهایی کشور بوده و در زمینه توسعه انسانی فاصله فراوانی با میانگین کشوری دارد. در واقع استان کردستان دچار تبعیض و محرومیت بوده و

به منظور محاسبه شاخص توسعه انسانی ابتدا اجزای آن مطابق فرمول محاسبه شده و سپس شاخص مورد نظر به دست خواهد آمد. بدین منظور با استفاده از هزینه خانوار شهری و روستایی در سال ۱۳۵۶ و سپس تبدیل آن به درآمد سرانه ریالی با استفاده از گزارش سازمان برنامه و بودجه [۲] و سپس به دلار سال ۲۰۱۱ که سال پایه می باشد، بخش درآمد سرانه فرمول

جدول ۲: شاخص درآمد در سال ۱۳۵۶

استان	درآمد سرانه به ریال	درآمد سرانه به دلار ۱۳۵۶	درآمد سرانه به دلار ۲۰۱۱	شاخص درآمد
مرکزی	۱۱۶۴۵۷	۱۶۵۳۰۷	۵۷۰۵	۰.۶۱۰
هرمزگان	۹۰۶۶۳	۱۲۸۷۰۴	۴۴۴۲	۰.۵۷۳
سمنان*	۶۹۹۳۱	۹۹۳	۳۴۲۶	۰.۵۳۳
خوزستان	۶۴۵۹۴	۹۱۷۰۲	۳۱۶۴	۰.۵۲۱
یزد	۶۴۰۳۸	۹۰۹۰۳	۳۱۳۷	۰.۵۲۰
گیلان	۶۳۶۱۷	۹۰۳۰۳	۳۱۱۶	۰.۵۱۹
اصفهان	۶۲۵۱۵	۸۸۷۰۷	۳۰۶۳	۰.۵۱۶
کردستان	۶۱۵۱۹	۸۷۳۰۶	۳۰۱۴	۰.۵۱۴
همدان	۵۷۱۰۱	۸۱۰۰۸	۲۷۹۷	۰.۵۰۳
آذربایجان شرقی	۵۶۸۸۲	۸۰۷۰۷	۲۷۸۷	۰.۵۰۲
سیستان و بلوچستان	۵۶۵۷۶	۸۰۳۰۴	۲۷۷۲	۰.۵۰۱
آذربایجان غربی*	۵۵۳۱۵	۷۸۵۰۵	۲۷۱۰	۰.۴۹۸
فارس	۵۴۲۴۲	۷۷۰۰۲	۲۶۵۷	۰.۴۹۵
مازندران*	۵۲۳۴۰	۷۴۳۰۲	۲۵۶۴	۰.۴۹۰
چهارمحال و بختیاری	۵۰۰۰۰	۷۱۰	۲۴۴۹	۰.۴۸۳
لرستان	۴۹۸۹۵	۷۰۸۰۵	۲۴۴۴	۰.۴۸۲
کرمانشاه	۴۹۷۲۸	۷۰۶۰۱	۲۴۳۶	۰.۴۸۲
کرمان	۴۹۳۶۴	۷۰۰۰۹	۲۴۱۸	۰.۴۸۱
ایلام	۴۷۱۸۹	۶۷۰۰۱	۲۳۱۲	۰.۴۷۴
کهگیلویه و بویراحمد\$	۴۶۷۵۸	۶۶۳۰۹	۲۲۹۰	۰.۴۷۲
بوشهر	۴۶۱۹۴	۶۵۵۰۹	۲۲۶۳	۰.۴۷۱
خراسان*	۴۲۶۷۹	۶۰۰۶	۲۰۹۱	۰.۴۵۹
زنجان	۳۹۶۰۵	۵۶۲۰۴	۱۹۴۰	۰.۴۴۷
میانگین کشوری	۵۸۵۷۴	۸۳۱۰۷	۲۸۷۰	۰.۵۰۷

منبع: محاسبات تحقیق.

* بعد خانوار شهری و روستایی برابر در نظر گرفته شده است.

\$ بعد خانوار معادل استان چهار محال و بختیاری در نظر گرفته شده است.

برای محاسبه این شاخص ابتدا افراد را در دو گروه افراد بالای ۲۵ سال و در حال تحصیل و افراد بالای ۲۵ سال و فارغ التحصیل دسته بندی می کنیم، (بالای ۲۵ ساله های مشغول به تحصیل و بالای ۲۵ ساله های فارغ التحصیل) همچنین سن افراد در بازه های زمانی ۵ سال تفکیک شده است برای مثال ۲۵ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۳۴ سال و الی آخر. در این مرحله با استفاده از داده های سرشماری سال ۱۳۵۵ [۱۲] به منظور محاسبه

شاخص آموزش ترکیبی از ۲ زیر شاخص متوسط سال های تحصیلی برای افراد بالای ۲۵ سال و سال های تحصیلی مورد انتظار برای کودکان در سن ورود به مدرسه می باشد. برای محاسبه شاخص آموزش و زیر شاخص های آن مراحل زیر طی شده است: (۱) متوسط سال های تحصیلی برای افراد بالای ۲۵ سال:

جدید، فنی و حرفه‌ای و دکتری که با توجه به داده‌های سرشماری سال ۱۳۵۵ که در آن برای افراد بالای ۲۵ سال و مشغول به تحصیل در مقطع تحصیلات عالی بدون تفکیک دوره های آن مورد سرشماری قرار گرفته است، در این پژوهش مقطع دکتری برای کلیه محصلین بالای ۲۵ سال مشغول به تحصیل در مقطع تحصیلات عالی در نظر گرفته شده است). سپس نتایج حاصل با یکدیگر جمع شده و بر تعداد جمعیت افرادی بالای ۲۵ سال تقسیم شده و میانگین سال‌های تحصیلی برای افراد بالای ۲۵ برای هر استان بدست آمده است.

میانگین سال‌های تحصیلی برای افراد بالای ۲۵ سال و در حال تحصیل (MYS) ابتداء تعداد سال‌های تحصیل تا رسیدن به هر مقطع بعلاوه تعداد سال‌های تحصیلی آن مقطع در تعداد افراد در حال تحصیل در آن مقطع ضرب شده است. (برای مثال فرد مشغول به تحصیل در سال آخر مقطع متوسطه نظام قدیم تعداد سال‌های مقاطع ابتدایی و راهنمایی (۸ سال) را طی کرده و در چهارمین سال دوره متوسطه می‌باشد و برای وی ۱۲ سال لحاظ می‌شود) (این مقاطع عبارتند از دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه نظام قدیم، متوسطه نظام

فرمول شاخص میانگین سال‌های تحصیل [۱]:

$$= \sum_j h_{j,t}^a * Dur_{j,t}^a S_t^a$$

$h_{j,t}^a$ = سهمی از جمعیت گروه سنی a در سال t در جمعیت ۲۵ ساله و بیشتر که دارای تحصیلات j می‌باشند.
 J = مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی.

$Dur_{j,t}^a$ = تعداد سال‌های مقطع تحصیلی گروه سنی a در سال t .

$$MYS = \sum_{a=1}^A I_t^a * S_t^a$$

MYS = میانگین سال‌های تحصیل.

L_t^a = سهم جمعیت گروه سنی a در جمعیت ۲۵ سال و بیشتر در سال t .

S_t^a = میانگین تعداد سال‌های تحصیل گروه سنی a سال t .

تعداد کل سال‌های تحصیلی بدست می‌آید. در ادامه عدد بدست آمده بر میزان جمعیت افراد بالای ۲۵ سال تقسیم شده و میانگین سال‌های تحصیل بدست آمده است. در مرحله آخر نتایج حاصل از ۲ مرحله بالا را با یکدیگر جمع کرده و بر میزان بیشترین سال‌های تحصیل یعنی ۱۵ تقسیم شده و شاخص متوسط سال‌های تحصیل برای افراد بالای ۲۵ سال بدست آمده است.

برای افراد بالای ۲۵ سال و فارغ‌التحصیل ابتدا افراد در بازه‌های زمانی ۵ ساله دسته‌بندی شده که از دسته ۲۵ تا ۲۹ سال شروع و آخرین دسته شامل افراد بالای ۶۵ سال و بیشتر می‌باشد. سپس تعداد افراد در آن مقطع تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و ...) در مجموع سال‌های گذرانده شده تا رسیدن به آن مقطع تحصیلی بعلاوه تعداد سال‌های آن مقطع تحصیلی ضرب شده است و سپس نتایج حاصله برای دسته جات سنی فارغ‌التحصیلان بالای ۲۵ سال را با یکدیگر جمع کرده و

$$MYSI = \frac{MYS}{15}$$

تحصیل t (E) (اول، دوم و ...) را بدست آوردیم که از سن ۶ تا ۲۴ مدنظر قرار گرفته شده است. برای مثال تعداد افراد ۶ سال تا ۲۴ سال در پایه اول دبستان با یکدیگر جمع کرده و تعداد افراد در این پایه تحصیلی

(۲ سال‌های تحصیلی مورد انتظار برای کودکان در سن ورود به مدرسه:

برای محاسبه این شاخص ابتدا شاخص تعداد دانش آموزان ثبت‌نام شده در سن i (۶،۷،۸ تا ۲۴) در سال

دبستان تا دکتری مدنظر گرفته شده است و نتایج بدست آمده برای سنین مختلف را با یکدیگر جمع کرده و شاخص P بدست آمده است. (در صورت کسر سنین مختلف در هر پایه و در مخرج آن سن مشخص در پایه‌های مختلف). در مرحله بعد نسبت شاخص E/P محاسبه می‌شود. (قسمت دوم معادله به دلیل مشخص بودن سن کلیه محصلین معادل صفر بوده و در نظر گرفته نمی‌شود).

فرمول سال‌های مورد انتظار تحصیل:

$$EYS = \sum_{t=a}^n \frac{E_t^i}{p_t^i} + \sum_1 \frac{E_t^{unknown}}{p_t^{ageoflevel} / Dt} \quad [1]$$

$E_t^{unknown}$ = تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نام شده در سال تحصیلی t که سن آنها مشخص نیست.
 $P_t^{ageoflevel}$ = تعداد جمعیت در سنین دوره تحصیلی در سال t.
 در پایان به منظور محاسبه شاخص سال‌های مورد انتظار تحصیل از رابطه زیر استفاده می‌گردد.

$$EYSI = \frac{EYS}{18}$$

ترتیب میزان شاخص آموزش برای هر استان اندازه گیری می‌شود.

بدست آمد و برای سایر پایه‌های تحصیلی هم این رویه انجام شده است. پایه‌های تحصیلی در نظر گرفته شده عبارتند از: اول دبستان تا مقطع کارشناسی ارشد. سپس جهت بدست آوردن مخرج کسر در معادله زیر و محاسبه شاخص تعداد جمعیت در سن i در سال تحصیلی (P) t، تعداد افراد در سن i در مقاطع تحصیلی مختلف از اول دبستان تا دکتری در نظر گرفته شده است، مثلاً برای افراد ۱۵ ساله در مقطع تحصیلی اول

EYS = سال‌های مورد انتظار تحصیل.

E_t^i = تعداد دانش‌آموزان ثبت نام شده در سن i در سال تحصیلی t.

P_t^i = تعداد جمعیت در سن i در سال تحصیلی t.

D_i = تعداد سال‌های دوره تحصیلی L.

$i = n$ = سن بالاترین سن تحصیل.

در مرحله آخر برای محاسبه عدد نهایی شاخص آموزش نتایج حاصل از مرحله اول و دوم را با یکدیگر جمع کرده و نتیجه بر عدد ۲ تقسیم می‌شود، بدین

$$\frac{EYSI + MYSI}{2}$$

جدول ۳: شاخص آموزش در سال ۱۳۵۵

استان	شاخص متوسط طول دوره‌ای که صرف آموزش می‌شود	شاخص طول دوره مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه	شاخص آموزش
مرکزی	0.235987266	0.057756375	0.146871821
خوزستان	0.125867326	0.089640579	0.107753953
اصفهان	0.13279571	0.05656056	0.094678135
فارس	0.103403363	0.061496918	0.082450141
سمنان	0.104282564	0.054976193	0.079629378
یزد	0.091571764	0.056181207	0.073876485
گیلان	0.086135986	0.055978841	0.071057414
مازندران	0.078697523	0.054310368	0.066503945
کرمانشاه	0.075212415	0.056010569	0.065611492

0.064009399	0.056581343	0.071437455	خراسان
0.062883368	0.054301316	0.071465421	بوشهر
0.062330786	0.056119245	0.068542328	کرمان
0.057744587	0.0556305	0.059858674	هرمزگان
0.057387959	0.049887103	0.064888815	آشرفی
0.055388609	0.055955463	0.054821755	همدان
0.05457907	0.046336498	0.062821642	آذربایجان غربی
0.051316993	0.057003855	0.045630131	چهارمحال و بختیاری
0.049992246	0.0560049	0.043979593	سیستان و بلوچستان
0.049657083	0.055951628	0.043362539	کردستان
0.047844148	0.055935926	0.039752371	زنجان
0.042468024	0.050404068	0.03453198	کهگیلویه و بویراحمد
0.034713835	0.021022646	0.048405025	لرستان
0.031181161	0.047043168	0.015319154	ایلام
0.065649	0.05483	0.076468	میانگین کشوری

منبع: محاسبات تحقیق

۳۰ برای صورت کسر بدست آمده است و در مرحله بعد در مخرج کسر بیشترین امید به زندگی یعنی ۸۵ سال را از کمترین میزان امید به زندگی که ۲۰ سال می‌باشد کسر کرده، که عدد ۶۵ بدست آمده و نهایتاً عدد بدست آمده از صورت کسر را بر عدد بدست آمده در مخرج کسر تقسیم کرده و نتیجه بدست آمده ۰.۴۶۱ به‌عنوان عدد امید به زندگی در بدو تولد در نظر گرفته شده است.

برای بدست آوردن شاخص امید به زندگی در سال ۱۳۵۵ برای هر استان ابتدا با استفاده از داده‌های موجود در گزارش سازمان برنامه و بودجه [۲] عدد امید به زندگی در بدو تولد برای هر استان را استخراج و سپس با استفاده از فرمول سازمان ملل، امید به زندگی در بدو تولد برای هر استان بدست آمده است.

برای مثال استانی با عدد ۵۰ برای امید به زندگی در سال ۱۳۵۵ در بدو تولد ابتدا عدد ۵۰ را از کمترین میزان امید به زندگی یعنی عدد ۲۰ کسر کرده و در نتیجه عدد

جدول ۴: شاخص بهداشت در سال ۱۳۵۵

شاخص بهداشت	امید به زندگی در بدو تولد	استان
۰.۷۷۳۰۸	۷۰.۲	مرکزی
۰.۶۴۴۶۱۵	۶۳.۲	خوزستان
۰.۶۲۱۵۳۸	۶۰.۴	اصفهان
۰.۵۷۸۴۶۲	۵۷.۶	سمنان
۰.۵۷۸۴۶۲	۵۷.۶	یزد

۰.۵۷۰۷۶۹	۵۷.۱	فارس
۰.۵۲۸۴۶۲	۵۵	خراسان
۰.۵	۵۲.۵	بوشهر
۰.۵	۵۲.۵	گیلان
۰.۵	۵۲.۵	کرمان
۰.۵	۵۲.۵	کرمانشاه
۰.۴۶۱۵۳۸	۵۰	سیستان و بلوچستان
۰.۴۶۱۵۳۸	۵۰	مازندران
۰.۴۶۱۵۳۸	۵۰	هرمزگان
۰.۴۲۳۰۷۷	۴۷.۵	آذربایجان شرقی
۰.۴۲۳۰۷۷	۴۷.۵	آذربایجان غربی
۰.۴۲۳۰۷۷	۴۷.۵	چهارمحال و بختیاری
۰.۳۸۴۶۱۵	۴۵	کردستان
۰.۳۸۴۶۱۵	۴۵	لرستان
۰.۳۸۴۶۱۵	۴۵	همدان
۰.۳۴۶۱۵۴	۴۲.۵	زنجان
۰.۳۴۶۱۵۴	۴۲.۵	کهگیلویه و بویراحمد
۰.۳۰۷۶۹۲	۴۰	ایلام
۰.۴۸۳۰۷۶	۵۱.۴	میانگین کشوری

منبع: محاسبات تحقیق

نهایتاً در مرحله آخر عدد نهایی شاخص توسعه انسانی هندسی از ۳ شاخص بهداشت و سلامت، آموزش و برای هر استان در سال ۱۳۵۵ با استفاده از میانگین گیری اقتصاد محاسبه شده است.

جدول ۵: شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۵۵

شاخص توسعه انسانی	استان
0.410537555	مرکزی
0.334154341	خوزستان
0.311976921	اصفهان
0.290641978	سمنان
0.285596173	فارس
0.281143482	یزد
0.26418952	گیلان
0.251036598	خراسان
0.250995336	کرمانشاه
0.248098764	هرمزگان
0.246840905	مازندران
0.246569429	کرمان
0.245570146	بوشهر
0.230134261	آذربایجان شرقی

0.226108085	سیستان و بلوچستان
0.220464347	همدان
0.218881584	چهارمحال و بختیاری
0.21411988	کردستان
0.194895512	زنجان
0.19073237	کهگیلویه و بویراحمد
0.188989031	آذربایجان غربی
0.186005348	لرستان
0.165677	ایلام
0.247972112	میانگین کشوری

منبع: محاسبات تحقیق

تجزیه و تحلیل

همانگونه که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۵۵ تنها در زمینه درآمد سرانه وضعیت کردستان اندکی بهتر از میانگین کشوری بوده و در مورد آموزش و بهداشت شاخص‌های استان کمتر از این میانگین می‌باشند. در نهایت استان کردستان از منظر شاخص توسعه انسانی در رده هجدهم در میان بیست و سه استان کشور قرار گرفته است. در دوره پیش از انقلاب و در حد فاصل سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ نیز با مقایسه جنبه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مشخص شده است که عواید حاصل از رونق اقتصادی و رشد گسترده در این مقطع زمانی به گونه‌ای منصفانه در بین گروه‌های قومی توزیع نشده و همچنین رشد و حصول اجتماعی- اقتصادی در سطح جامعه منجر به گسترده‌تر شدن شکاف و نابرابری در میان این گروه‌ها گشته است [۱۵]. در واقع با تاسیس سلسله پهلوی، کردها با اعمال فشار در جهت تحقق سیاست‌های مبتنی بر ناسیونالیسم قومی مواجه شده و حکومت پهلوی با اتخاذ سیاست‌های همانندسازی، ضمن انکار تنوع قومی در ایران در تلاش جهت سامان دادن کلیه اقوام بر پایه مرکز گرایی افراطی بود [۹]. در دوره پس از انقلاب به صورت مطلق شرایط کردستان در کنار دیگر مناطق ایران بهبود یافته و نمی‌توان منکر این واقعیت شد که شرایط حاضر قابل مقایسه با چهل سال قبل نمی‌باشد. مطابق داده‌های جدول شماره ۱ در زمینه

شاخص توسعه انسانی، نمره کردستان ۰/۷۳۲ بوده که در مقایسه با ۰/۲۱۴ در سال ۱۳۵۵ رشد ۰/۵۱۸ را تجربه کرده است. در همین بازه زمانی میانگین کشوری نیز از ۰/۲۴۷ به ۰/۷۸۳ رسیده است که حاکی از رشد ۰/۵۳۶ می‌باشد. بخشی از این امر را می‌توان در ارتباط با پیشرفت جهانی و بهبود شرایط در اکثر نقاط جهان قلمداد کرده و قسمتی از این امر نیز وابسته به ماهیت توزیعی انقلاب و پاسخی به خواسته‌های فرودستان اجتماعی و مستضعفین دانست. با این وجود شاهد تداوم فاصله سطوح توسعه‌ای در بین استان کردستان و میانگین کشوری هستیم که نشان از یک کژکارکردی ساختاری دارد.

همچنین در داخل استان‌ها و در سطح شهرستانی نیز می‌توان در مناطق مختلف کشور نوعی از تمرکز امکانات و سرمایه در مراکز استان‌ها را مشاهده نمود که خود نشان دهنده کارکرد معیوب نظام سیاست گذاری متمرکز است، به گونه‌ای که در مناطق کمتر توسعه یافته، بعضاً جهت دسترسی به امکانات ابتدایی مانند پزشک متخصص و یا دستگاه‌های تشخیص پزشکی نیاز به مراجعه به مرکز استان می‌باشد. در زمینه امکانات آموزشی، رفاهی، تفریحی، ورزشی و فرصت‌های اقتصادی نیز با شرایطی مشابه مواجه می‌باشیم که تبیین ابعاد گوناگون آن نیازمند بررسی جداگانه و پژوهشی مستقل است.

References:

1. Analysis of Human Development Index (HDI) of Isfahan Province. Case study: The Counties of province 2017. Plan and Budget Organization, Management and Planning Organization of Isfahan Province, Department of Management Development and Human Capital, 11-12, 2020. [In Persian]
2. Report on Regional Imbalances in Iran. Plan and Budget Organization, Department of Planning and Evaluation, Office of Regional Planning, 1982. [In Persian]
3. 32017) Strategic Problemology of Development in Kurdistan Province, Center for Strategic Studies, p 2 [In Persian]
4. Bahrami, R. Main Challenges in Rural Development over Iran, Case Study: Kurdistan Province. Geographical Research, 25(98): 125-142, 2010. [In Persian]
5. Azizyan, O., Jafari, A. A. The Effect of Social Capital on the Process of Political Development, Case study: Kurdistan Province After the Islamic Revolution of Iran. Sociology of Social Institutions, 7(16): 61-85, 2021. [In Persian]
6. Mohseni, R. A. The Study of Factors Affecting the Underdevelopment of Kurdistan Province with Emphasis on Economic Development. Journal of Economic & Developmental Sociology, 8(2): 167-197, 2020. [In Persian]
7. Sen, Amartya. Development as Freedom. Tehran: Ney Publishers, 131, 2004. [In Persian]
8. Sadeghi H, Abdollahi Haghi S, Abdollah Zade L. Human Development Condition in Iran. refahi. 6(24), 283-304, 2007. [In Persian]

نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن مقایسه آمارهای مرتبط با شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۹۸ و بازسازی آن در سال ۱۳۵۵، نشان داده شود استان کردستان از منظر متغیرهای درآمد، تحصیلات و بهداشت به لحاظ تاریخی نسبت به درصد قابل توجهی از استان-های کشور دارای عقب ماندگی بوده است. بنابراین به نظر می رسد علاوه بر محدودیتهای جغرافیایی کردستان، ریشه این عقب ماندگی را باید در ساختارهای تاریخی رابطه مرکز با پیرامون و تعمیق آن در طول تاریخ و همچنین موانع توسعه پنهان درونی ساختارهای قدرت منطقه مذکور جست. بنابراین اگرچه توسعه نیافتگی نسبی این بخش از ایران را می توان به برخی از سیاست های دولت ها در طول تاریخ نسبت داد اما این امر به طور بنیادین و تاریخ مند ریشه در متغیرهای ساختاری دیگری دارد که برخی از مهمترین آن ها عبارتند از:

- اقتصاد سیاسی انحصارات در تاریخ ایران.

- رابطه مرکز- پیرامون و مبادله نابرابر اقتصادی.

- اقدامات در دوران پهلوی.

- توسعه مرکز محور و به تبع آن توزیع نامتوازن منابع.

سیاست های غیر توسعه ای و اقتصاد سیاسی وابسته به نفت در طول تاریخ ایران را به کشوری توسعه یافته تبدیل نکرده است و پیامدهای نامطلوبی را ایجاد نموده است.

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسنده گزارش

نشده است.

تاییدیه های اخلاقی، تعارض منافع: موردی

توسط نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت ها:

موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

- Spatial Planning Approach. 12(45): 199-223, 2019. [In Persian]
15. Aghajanian, Akbar. Ethnic Inequality in Iran: an overview. Faculty Working Papers. 13, 219, 1983. [In Persian]
 16. Federal Reserve Bank of Minneapolis.
www.minneapolisfed.org/about-us/monetary-policy/inflation-calculator
 17. Global Data Lab.
www.globaldatalab.org
 18. Sen, Amartya. Development: Which Way Now? The Economic journal, Vol.93, No.372, 755, 1983.
 19. Treasury Reporting Rates of Exchange as of March 31, 1978. Department of the Treasury, Fiscal Service, Bureau of Government Financial Operations. 2.
 20. UNDP, HDR (Human Development Report). United Nations Development Program, 2020.
www.hdr.undp.org
 9. Salehi Amiri, Reza, Management of ethnic conflicts in Iran, Second Edition, 2009.
 10. Askari Pour Lahiji, H., Otofati Shamsi, R. The Calculation and Evaluation of the Human Development Index of the Provinces of Iran in the Years 2005, 2010, 2015. Journal of Human Capital Empowerment, 2(4): 331-345, 2020. [In Persian]
 11. Mardokhi, S., Saierasi, I. Explaining the Cause of Underdevelopment in Kurdistan province– Using Qualitative Method. Journal of Iranian Social development Studies, 1(11): 63-75, 2018. [In Persian]
 12. The Statical Center of Iran.
www.amar.org.ir
 13. Provincial Government of Kurdistan.
www.ostan-kd.org.ir
 14. Hashemi, S.M., Alipour, A., Fathi, a. Correlation Between Security-Defence Threats with Developmental Levels in Kurdistan Province Using